

گفت و گوی نشریه فقه با آیت الله محمد معرفت

درباره شبیه‌سازی

فقه: از این که قبول زحمت نمودید وقتی را به مصاحبه با ما اختصاص دادید سپاسگزاریم چنانکه مستحضرید طی یکی دو دهه اخیر تحولات فراوانی در حوزه تکنولوژی حیاتی رخ داده است. شاید یکی از نقاط عطف در این گونه تحولات، بحث انتقالات برون رحمی است که در آغاز با انکار شدید جوامع غربی مواجه شد. این بحث در میان اهل سنت هم مسائل فراوانی را برانگیخت و به تدریج مسائل فقهی آن حل و عملاً امروزه به عنوان یک تکنولوژی برای درمان ناباروری بین زوجین پذیرفته شده است. حدود سال ۹۷ میلادی که هنوز سر و صدای این چالش فرو ننشسته بود، ناگاه اعلام شد که گوسفندی را از طریق غیر جنسی شبیه‌سازی کرده‌اند. بلافاصله این سؤال مطرح شد که آیا همین کار در مورد انسان هم قابل اجراست؟ اگر امکان‌پذیر است، چه تبعات و لوازمی دارد؟ آیا این کار مشروع است؟ اخلاقی است یا غیر اخلاقی؟ مسیحیان، چه پروتستان‌ها و چه کاتولیک‌ها، و همچنین بخشی از یهودیان به شدت با آن مخالفت کردند.

در میان مسلمانان به ویژه در میان اهل سنت هم این بحث به طور جدی مطرح شد. اهل سنت در سال ۹۷ بیانیه‌ای منتشر و این کار را در عرصه انسانی تحریم کردند، ولی در عرصه حیوانی آن را مجاز شمردند. بعد در شبیه‌سازی انسانی تقسیم‌بندی دیگری را انجام دادند و شبیه‌سازی درمانی را هم مجاز دانستند، اما غیر درمانی را مجاز ندانستند؛ به نظر می‌رسد این بحث در میان شیعه آن چنان که لازم بوده، هنوز منقح نشده است. بعضی آن را حلال دانسته‌اند و برخی به طور مشروط پذیرفته‌اند، بعضی دیگر می‌گویند که فی نفسه مباح است، اما طبق حکم ثانوی حرام است و مسائلی از این دست. خوشحال می‌شویم که شما هم دیدگاهتان را در این زمینه مطرح کنید.

استاد: بسم الله الرحمن الرحيم ما مسئله را با این آیه شریفه شروع می‌کنیم که می‌فرماید: (ولا تقولوا لما تصف السنتکم الکذب هذا حلال و هذا حرام)؛ هیچ کس حق ندارد چیزی را بدون مستند شرعی بگوید این حلال یا حرام است.

بنابراین استحسانات ذوقی یا برخی اعتبارات عقلانی مجرد از عقل فلسفی دقیق، نمی‌توانند ملاک حکم شرعی، یعنی فتوا، باشند؛ این کلیت قضیه، و اما جهان مسیحیت اساساً هر حرکتی را که برخلاف روال مألوف ببینند، می‌گویند خلاف طبیعت و قهراً غیر جایز است و حال آن که غافل از این است که گاهی چیزی ممکن است خلاف متعارف باشد، ولی خلاف قوانین طبیعت نباشد؛ اساساً هیچ چیزی امکان ندارد از

سلسله علل و معلولات خارج باشد. ضوابطی در طبیعت حاکم است که هیچ کس امکان تخلف از آن را ندارد؛ منتها بعضی از اسرار طبیعت متعارف شده است و بعضی متعارف نیست که علم آرام آرام آنها را کشف می کند. در واقع علم چیز جدیدی ایجاد نمی کند؛ بلکه کشف می کند. همان سنت الهی را که تا دیروز پنهان بود، امروز به وسیله پیشرفت علم کشف کرده است؛ چون انسان خلیفه الله فی الارض است. این که می فرماید: (علم آدم الاسماء) ۲، یعنی خداوند به انسان نیرو و قدرتی داده که می تواند تمام اسرار طبیعت و جهان را کشف کند. پس در واقع پیشرفت علم به معنای تحقق مفهوم خلیفه الله در زمین است. اصلاً انسان برای آباد کردن زمین آمده و هر چیزی که انسان در این راه ایجاد می کند، به دستور خداوند است و طبیعی است. لذا با این مرام مسیحیت مخالفم.

اما اهل سنت از روز اول عادت کرده اند که مسائل را با استحسان و ذوق بررسی کنند. شیعه هم از همان ابتدا با این گونه مبانی مخالف بود و از روز اول خود را تابع نص می دانست. اگر نص چیزی را تحلیل یا تحریم کرد، مطابق همان حکم می کرد. اصل جواز هم به عنوان اصل اولی پذیرفته شده، چون (خلق لکم ما فی الارض جمیعاً) ۳ یا (و سخر لکم ما فی الارض جمیعاً) ۴. انسان اساساً آفریده شده برای این که متمتع و بهره مند شود از تمام فرایندهای طبیعت و پی بردن به اسرار طبیعت. اینها اموری است که از نظر شیعه طبیعی و مطابق با فطرت و علت آفرینش انسان است. همان گونه که در اهل سنت اجماع است بر عدم جواز، در شیعه هم اجماع است بر جواز. برای تقریب به ذهن عرض می کنم: در قرن های گذشته میوه درختان در مدتی طولانی به دست می آمد، اما امروزه بر اثر پیشرفت علم توانسته اند محصولات کشاورزی را در مدت کوتاه تری تولید کنند و با قلمه زدن توانسته اند هر سال محصول درخت را تغییر دهند. حال آیا با وجود این، ما باید باز هم به سنت طبیعی متعارف گذشته عمل کنیم و بگوییم که مثلاً نهال سیب را می کاریم تا بعد از چند سال محصول دهد! یا در گذشته روییدن گیاهان مبتنی بر بذرافشانی بود. بذر در دل زمین باید می ماند و سیری را طی می کرد، اما حالا بشر پی برده است که در طبیعت امکان پیوند و قلمه زدن هست. انسان ها این را بر طبیعت تحمیل نکردند؛ بلکه این راز در کنه طبیعت بود و بشر به آن پی برد. پس انسان برای ایجاد و تولیدمثل غیر از نشاندن بذر طرق دیگر را هم از طبیعت کشف کرد و حالا همین کار در حیوان و انسان هم انجام می گیرد. این چه اشکالی دارد؟ کشف کردند که می شود از سلول یک انسان در خارج از رحم تولیدمثل کنند نه حتی از نطفه اش، بلکه از یک سلول از سایر بدن انسان، بدون سیر طبیعی. چه دلیلی بر عدم جواز آن هست؟

در مشهد سمیناری بود در مورد همین موضوع شبیه سازی، و مصاحبه ای با ما کردند و گفتند الآن در ایران افرادی هستند که در این زمینه به خوبی می توانند کار کنند؛ یعنی می توانند جواب مثبت و منفی بدهند که آیا این کار شدنی است یا نه؟ گفتم بر شما واجب است که این کار را انجام بدهید. چرا یک مسلمان باید بنشیند تا دیگران نتیجه پدیده ای را به ما بگویند؟ خود ما باید زحمت بکشیم و به دنیا اعلام کنیم که این کار امکان پذیر است یا نه؟ به خصوص کسانی که به دنبال این مطالب اند، هدف صحیحی دارند؛ از جمله می خواهند در درمان بیماری های صعب العلاج از سلول های بیمار برای مداوای او استفاده کنند. بنابراین، به جای حذف دستاوردهای علمی و تکنولوژی، بشر باید مراقب باشد که از این دستاوردها سوءاستفاده نشود. ما

مسلمانان حتی باید در زمینه دستاوردهای علمی و فکری پیش قدم باشیم تا جایگاه خودمان را به عنوان رهبر جهان آرام آرام باز کنیم.

فقه: شما در لابه لای سخنان خود به اجماع شیعه اشاره فرمودید، ولی بعضی از علمای شیعه با این مسئله مخالف اند.

استاد: بنده فتوای ایشان را دیده ام. این آقایان یک (اگر) در کنار حکم خود گذاشته و فتوای خود را مشروط کرده اند. به عقیده من وجوه علمای شیعه فی ذاته شبیه سازی انسانی را حرام نکرده اند؛ بلکه به لوازم و پیامدهایش نظر کرده اند. اما کسی نمی تواند بگوید که فی نفسه این حرام است. مقصود بعضی از فقهای بزرگ از اجماع، اجماع مبنایی است. این بحث در اصول آمده است که گاهی چون فقهای شیعه مبنایی فقهی را قبول دارند، نتیجه می گیرند که پس این فتوا را هم قبول دارند. من هم بر این مبنا عرض می کنم که مبنای فقه شیعه بر این است که تا چیزی نص بر تحریمش نباشد، حلال است؛ یعنی اجماع علی المبنی. البته این را می دانید که در مسئله اجماع، فقهای شیعه، مبنای اهل سنت را قبول ندارند و مبنایشان فقط نص است. لذا من بارها در سخنرانی ها و مصاحبه هایم گفته ام که منبع فقه شیعه فقط کتاب است و سنت، اما اجماع و عقل جنبه تشریفاتی دارد. اگر هم ادعای اجماعی می شود، برای اطمینان خاطر است که دانسته شود علما هم بر فتوایی که مورد نص است، اتفاق نظر دارند.

ولی اهل سنت، مثلاً می گویند ربای بانکی امروزه یک امر ضروری برای جامعه اقتصادی است و فقها باید امروز اجماع بر جواز آن کنند. اینها برای اجماع موضوعیت قائل اند؛ اما اجماع نزد شیعه موضوعیت ندارد. شیعه مبنای فقهتشان فقط و فقط در کتاب و سنت است و خارج از این محدوده، نه ذوق، نه قیاس و استحسان، نه اجماع و نه عقل را مدرک نمی داند و لذا فقهای شیعه قطعاً بدون مدرک چیزی را حرام نمی دانند. عنوان ثانوی مطلب دیگری است و فقیه می تواند آن را تغییر بدهد. این (اگر)هایی که بزرگان در این زمینه آورده اند، اینها همه تحت عنوان ثانوی است. عناوین ثانوی قابل رفع و اغماض است.

فقه: البته همان طور که حضرت عالی اشاره فرمودید، برخی از فقهای معاصر تصریح کرده اند که چون در این زمینه نصی اعم از کتاب و حدیث بر حرمت آن نداریم، اصل بر جواز است؛ اما چون این موضوع تبعات اخلاقی مسلّمی دارد، حکم به حرمت داده اند. یکی از این تبعات فروپاشی خانواده است که شخصی به دنیا بیاید، بدون این که پدری و مادری داشته باشد، و این حرام است. استاد: ببینید این امور نمی تواند مدرک برای فقه بشود. اگر انسانی نه پدر داشته باشد نه مادر، چه می شود؟ در کدام بخش از سنت و کتاب آمده که شخص باید پدر و مادر داشته باشد؟

فقه: می گویند اگر کسی پدر و مادر نداشته باشد، مسئله ارث و نسب با چالش مواجه می شود؛ بدین گونه که بعدها کسان دیگر مانند او به وجود می آیند و خود به خود نظام ارث از بین می رود. آن گاه اگر نظام ارث نباشد، دیگر بسیاری از آیات قرآن اجرا نمی شود.

استاد: هیچ گاه این احکام تعطیل نمی شود؛ به این دلیل که نظام تناسلی انسان همواره وجود دارد و احکام ارث یا احکام ازدواج باقی می ماند.

فقه: در سخنان خود گفتید که این کار در گیاهان و حیوانات جایز است؛ پس در انسان ها هم جایز است. آیا این گونه استدلال، قیاس نیست؟

استاد: روی سخن من با مسیحیان بود. می خواهم بگویم چون شبیه سازی همان گونه که در نباتات خلاف طبیعت نیست، در حیوانات هم خلاف طبیعت نیست؛ ولی استدلال ما این گونه نیست.

فقه: یکی دیگر از استدلال های مخالفان شبیه سازی این است که استنساخ، نقض کرامت انسانی است؛ چون خداوند می فرماید: (ولقد کرّمنا بنی آدم) ۵، و این کرامت انسانی در شبیه سازی انسانی مخدوش می شود؛ پس این کار حرام است!

استاد: در این جا این سؤال برای من پیش می آید که چگونه اگر ما انسانی را از نطفه زید و در رحم به وجود بیاوریم، مشمول (ولقد کرّمنا) می شود؛ اما اگر سلولی را از لاله گوش او بگیریم و در آزمایشگاه او را درست کنیم، این مشمول آیه نشود؟ آیا معنای (ولقد کرّمنا بنی آدم) این است که کرامت برای انسانی است که از راه نطفه درست شده؟ این قید از کجا فهمیده می شود؟

فقه: می خواهید بگویید هیچ تفاوتی ندارد که انسان چگونه به وجود بیاید: در رحم باشد یا لوله آزمایشگاه؟

استاد: البته راه اول متعارف بوده است، اما اگر توانستند از لاله گوش انسان، با طی مراحل، بچه ای به وجود آورند، چه اشکالی دارد؟

فقه: اشکال دیگری که مطرح می شود، این است که می گویند شبیه سازی از مصادیق تغییر خلقت است که شیطان گفت: (ولأمرّهم فلیغیّرنّ خلق الله) ۶. شیطان گفته تغییر خلق می کند و شبیه سازی هم نوعی تغییر خلق است. این اشکالی است که عموم اهل سنت خیلی بر آن تأکید کرده اند و برخی علمای شیعه هم به آن اشاره کرده اند.

استاد: این آیه به اعمال عرب جاهلیت اشاره دارد. آنها روی حیوانات کارهایی می کردند و آن وقت عناوینی برای اینها قائل می شدند. اینها همه کار شیطان است؛ یعنی کاری در مجاری طبیعی ای که خدا می خواهد، قرار نگرفته، و این یک نوع بدعت است. آنها این کار را (من شعائر الله) قرار می دادند؛ در حالی که کار آنها بدعت و تقریباً مناقض دستوره های شرع بود. البته خیلی ها برای حرمت ریش تراشی به این آیه تمسک کرده اند. طبق این استدلال، سر تراشیدن و ناخن گرفتن هم حرام است. اینها که تغییر خلق الله نیست. ثانیاً این آیه مربوط به حیوانات است که در این صورت، شبیه سازی گوسفند هم باید حرام باشد و حال آن که اهل سنت شبیه سازی را فقط در انسان حرام می دانند؛ حتی در نباتات هم باید بگوییم هرگونه تغییری برخلاف مجرای طبیعی متداول است. به هر حال، این آیه ارتباطی به این مسئله ندارد. آیا اگر به جای رحم حقیقی، نطفه را در رحم مصنوعی بگذارند، این تغییر خلقت خدا نیست. بشر درباره چگونگی تبدیل تخم مرغ به جوجه مطالعه کرده و اکنون توانسته با دستگاه هایی جوجه کشی کند. آیا این کار تغییر خلقت است یا توسعه در طبیعت و آفرینش است؟ در واقع، بشر با مطالعه در اسرار طبیعت، شبیه آن را پدید می آورد. این از ویژگی های گل سر سبد خلقت و خلیفه الله است.

این قدرت ابداع فقط اختصاص به انسان ها دارد. چرا باید مانع چنین اموری شویم؟ چرا برخورد ما با این مسائل باید برخورد منفی باشد که همان روش مسیحیت است؟ ما متأسفانه از زمان قاجاریه با هر پدیده نوی مبارزه کردیم و خودمان را عقب کشیدیم و زمینه را مساعد کردیم برای بازار و فراورده های اجانب. دولت ژاپن در دو سه قرن پیش، از ما عقب بود؛ اما اکنون قدرت صنعتی برتر در دنیاست. چرا ما باید در مسئله هسته ای نیاز به آمریکا داشته باشیم؟ چون ضعف نشان داده ایم و به جایی رسیده ایم که می گویند ما باید به شما اجازه بدهیم تا شما در این باره تحقیق کنید. مگر حق حیات ما به دست آنهاست؟ ما همیشه حالت منفی و انفعالی گرفته ایم. علت این که آنها نمی گذارند ما تحقیقات علمی کنیم، این است که دیگر نمی دانند فرآورده هایشان را در کجا بفروشند. لذا من با انفعال مخالفم. البته هر فعالیت علمی، همان گونه که فواید بی شماری دارد، یک سری پیامدهای ناگواری هم ممکن است داشته باشد که باید سعی کنیم مانع آنها شویم.

فقه: اگر اصل موضوع را مجاز دانستیم، طبعاً پرسش های فقهی فراوانی فراروی ما قرار می گیرد که بخواهیم دیدگاه شما را محقق کنیم، باید پاسخ داده شود و از جمله این که فرزندی که به وجود می آید، به چه کسی منتسب است؟ صاحب سلول یا آن جایی که پرورش یافته؟
استاد: صاحب سلول است.

فقه: چه ملاکی؟

استاد: به همان دلیل که نطفه از هر کسی است، پدر همان است؛ ولو نطفه نامشروع باشد.

فقه: اگر سلول را از یک زن بگیرند و در رحم خود آن هم جا دهند، فرزند منتسب به چه کسی است؟

استاد: چنین بچه ای فاقد پدر می شود؛ مثل کسی که فاقد مادر است. لذا باید او را به مادرش نسبت بدهیم.

فقه: جایگاه این فرزند به لحاظ حقوقی و ارث چگونه مشخص می شود؟

استاد: چنین بچه ای مثل کسی است که در پرورشگاه ها رشد کرده و پدرش معلوم نیست و فقط از مادر ارث می برد.

فقه: آیا فرد شبیه سازی شده می تواند با فرزندان آن فرد ازدواج کند؟

استاد: نه؛ چون برادر و خواهرند.

فقه: یک اشکال کلامی هم مطرح شده است. می گویند شبیه سازی باعث می شود که عوام در

مسائل خلقت دارای شبهه بشوند و گمان کنند که انسان در قدرت رقیب خداوند شده است.

استاد: باید به توده مردم توضیح داده شود که شبیه سازی نوعی کشف اسرار و قواعد طبیعی است که با تقلید از طبیعت، از طریق غیر متعارف، انسانی را تولید کردند و در واقع توسعه در طبیعت و سنن الهی دادند. پس، از محدوده قدرت خدا بیرون نرفته است. همان طور که خداوند اجازه می دهد که در نباتات پیوند و قلمه زده شود، همین طور در گوسفند و انسان هم اجازه می دهد که چنین موجودی به وجود بیاید.

به هر حال، حرف من بیشتر این است که ما نباید در این گونه فعالیت های علمی و پژوهشی، از جهان غرب عقب بمانیم.

فقه: از این که وقت خود را در اختیار ما گذاشتید و به پرسش ها پاسخ دادید، از شما سپاسگزاریم.